



چشم‌انداز فلاسفه باید پاسخ به نیازهای جامعه باشد

غلامرضا ذکیانی با اشاره به اینکه ملاصدرا حرکت عظیمی را به راه انداخت و توجهش کاملاً به نیازهای اجتماع بود، گفت: تا امروز مسائل زیادی رخ داده است ...

غلامرضا ذکیانی با اشاره به اینکه ملاصدرا حرکت عظیمی را به راه انداخت و توجهش کاملاً به نیازهای اجتماع بود، گفت: تا امروز مسائل زیادی رخ داده است و فلاسفه ما نیز حتماً باید به مشکلات امروز جامعه توجه کنند که لزوماً مشکلات ما مشکلات ترافیک نیست، بلکه مسائل ریشه ای است.

به گزارش ایکننا، شب چهل و هفتمین سالگرد تأسیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، امشب، ۱۴ دی ماه، با سخنرانی سیدحسین نصر، استاد دانشگاه جرج واشنگتن، شهرام پازوکی، عضو هیئت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، غلامرضا ذکیانی، رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و غلامرضا اعوانی، چهره ماندگار فلسفه و رئیس اسبق موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به صورت مجازی برگزار شد. در ادامه متن سخنان غلامرضا ذکیانی را می‌خوانید؛

دکتر نصر در سال‌های مسئولیت توانستند یکی از موسسات بین‌المللی موفق را پی‌ریزی کنند و استادان مطرحی را گردآوردند که از جمله، کرین، ایزوتسو، چیتیک، آشتیانی و ... بودند و این امر سبب شد که این تلاش‌ها خیلی زود دیده شود و خیلی موثر واقع شود و تحت عنوان انجمن فلسفه این موسسه به شهرت جهانی رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی، موسسه تا سال ۱۳۸۱ به پژوهشگاه‌های دیگری واگذار شد تا اینکه در سال ۱۳۸۱ با تلاش مجموعه‌ای که دکتر اعوانی در رأس آن بود و ایشان از شاگردان بنام دکتر نصر بودند، این موسسه مستقل شد و دکتر اعوانی که تا سال ۱۳۹۰ در اینجا خدمت کردند، تلاش داشتند مجدداً آن نشاط علمی را به این موسسه برگردانند. بنده خودم در آن دوران به عنوان دانشجو در اینجا حاضر می‌شدم و در سال ۱۳۹۰ دکتر خسروپناه انتخاب شدند که تا سال ۱۳۹۷ بودند و از آن سال نیز بنده به عنوان مسئول موسسه انتخاب شدم.

این نام‌ها را به این دلیل بیان کردم تا از همه کسانی که از ابتدا تا امروز تلاش کردند، تجلیل کرده باشم. این تلاش‌ها موجب شده که این مجموعه سر پا بماند و دانشمندان مهمی تلاش کردند و آثار خوبی چاپ شده و هنوز هم شاهد تلاش همکاران خوبمان در عرصه‌های مختلف فلسفی هستیم و به طور رسمی، شش رشته داریم و دوستان در این رشته‌ها مشغول فعالیت‌های خود هستند.

گزارشی از سیاست‌های کلی موسسه حکمت و فلسفه

از این فرصت استفاده می‌کنم و گزارشی از این دو سال اخیر ارائه می‌کنم که مخصوص سیاست‌های کلی است و می‌گویم که سیاست‌های ما چه بوده است و در ادامه نیز به چشم‌انداز آینده و انتظاری که خودم به عنوان یک دانشجوی فلسفه دارم، اشاره می‌کنم. در این مدت، اگر بخواهیم به سیاست‌های کلی موسسه اشاره کنم، یک اقدام این بود که سعی کردیم شأن تصمیم‌گیری علمی را به گروه‌های علمی و شورای پژوهشی برگردانیم و آن را تقویت کنیم. کلیه تصمیم‌های علمی در حوزه پژوهش‌های موظف و غیرموظف به گروه‌های مختلف واگذار شد و هر چیزی که در گروه‌ها تصویب می‌شد، در شورای پژوهشی می‌آمد و در آنجا نیز به همین ترتیب یکسری صحبت‌های عمومی مطرح می‌شد و بالاخره یا تصویب و یا اصلاح صورت می‌گرفت، اما این روند به گروه‌های علمی و شورای پژوهشی برگردانده شد.

نکته دوم، اصلاح فرایندها بود که برخی از فرایندها را با کمک همکاران اصلاح کردیم. در تصویب طرح‌های موظف و غیرموظف، در تصویب همایش‌ها و در بحث جذب نیروهای علمی و غیرعلمی، تلاش کردیم که کاملاً قوانین را رعایت کنیم و برای همین منظور، نیروهای خوبی جذب شدند، هرچند همچنان روند جذبشان در حوزه‌های بالادستی ادامه دارد و هنوز به ما اضافه نشده‌اند، اما تلاش‌های خود را انجام داده‌ایم و خوشبختانه هیچ نقضی در این جهت وجود ندارد. گزارش تفصیلی این موضوع را در مراسم سالگرد چهل و هفتمین سال تأسیس موسسه مطرح می‌کنم.

چشم‌انداز پیش‌روی فلاسفه ما چیست؟

اما در اینجا باید به چشم‌اندازی که از نظر خودم باید به آن اهتمام داشته باشیم، اشاره‌ای داشته باشم؛ به گمان بنده، در تاریخ فلسفه، فلاسفه ما در مقابل یک اتفاق و در مقابل یک حادثه و موجی که در جامعه ایجاد شده بود، جمع شدند و مدرسه‌ای را راه‌اندازی کردند که از جمله مدرسه سقراط بود که از سقراط، افلاطون و ارسطو متشکل است. در حقیقت موجی از سوی سوفسطائیان به راه افتاد و خودش موجی تحت عنوان فلسفه شد که بعد از میلاد مسیح نیز کسانی این موج را ادامه دادند و

افلوپین ۲۰۰ سال پس از میلاد مسیح، آن موج را ادامه داد تا به جهان اسلام رسید.

در تاریخ اسلام، تضارب آرا و ارائه اندیشه های مختلف به وفور وجود داشت که اندیشمندی مانند ابن راوندی متکلم، ابتدا معتزلی بود و بعد امامی شد و بعد از اسلام نیز برگشت و ایرادهای جدی وارد کرد، طوری که هرکس به فراخور دانش خود به او پاسخ داد و یکی از افراد، فارابی بود و با توجه به علائقی که داشت، پاسخ داد و شبهه مختل بودن ارتباط عالم بالا و پایین را تحلیل کرد و پیوند این دو عالم را نشان داد که از دل آن، فلسفه اسلامی زاده شد. تلاش فارابی در برابر موج راوندی بود و بعد شیخ الرئیس آمد و او که با این افکار آشنا شده بود، علوم اوائل را ترویج داد که در برابر اندیشه های فقها و متکلمین قرار گرفت و برای همین، تلاش کرد که میزان تاویل آیات و آموزه های وحیانی را کم کند، اما طولی نکشید تا مانند غزالی آمد و غزالی شدیداً این آموزه های مشائی را مورد انتقاد قرار داد و تهافت الفلاسفه را نوشت و گفت، فلاسفه در ۱۷ مسئله بدعت گذار هستند و در سه مسئله تکفیرشان کرد و این سبب شد فلسفه ضربه ای بخورد که تا امروز هم به تعبیر استاد مطهری، سر بلند نکرده است.

این موج در جامعه بود تا هر کسی به فراخور دانش خود پاسخ دهد تا اینکه دوران ملاصدرا فرا رسید. او برای اینکه فلسفه را از این اتهامات نجات دهد، متوسل به حرکت جوهری شد و سه عنوانی که سبب اتهام کفر فلاسفه شده بود، یعنی قدم عالم، عدم علم خدا به جزئیات و عدم معاد جسمانی را با حرکت جوهری اثبات کرد. لذا او نیز در مقابل یک موج این حرکت عظیم را به راه انداخت و او نیز کاملاً توجهش به نیازهای اجتماع بود. تا امروز هم مسائل زیادی رخ داده است و فلاسفه ما نیز حتماً باید به مشکلات امروز جامعه توجه کنند که لزوماً مشکلات ما مشکلات ترافیک نیست، بلکه مسائل ریشه ای است.

از جمله این مسائل ریشه ای باید می توان به بحث اجتماع و قانون و اینکه مردم چقدر قانون گرا و چقدر قانون گریز هستند، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش و اینکه آیا عقل گرا است یا حافظه محور است و بحث ملیت و مذهب اشاره کرد که باید به آنها پرداخت و از همه مهم تر بحث حقیقت و قدرت و مناسبات آن است.